

جواد لاریجانی:

ترور دانشمندان خطری بسیار مهم برای بشریت است



مدیر پژوهشگاه دانش‌های بنیادین گفت: اینکه هر دولتی بتواند در کشور دیگری دانشمندی را که به نظر او برای اغراض سیاسی‌اش نامناسب است، به هر شکلی با هواپیما و بمب و موشک، خودش و خانواده‌اش را شهید کند، این طبیعتاً خطر بسیار مهمی برای بشریت است.

نشست خبری همایش بین‌المللی «خیزش فرزاتگان در برابر خردکشی» دیروز یکشنبه ۶ مهر در پژوهشگاه دانش‌های بنیادین تهران بر گزار شد. این همایش قرار است ۱۷ مهر با حضور شخصیت‌ها و میهمانان داخلی و خارجی در محل پژوهشگاه دانش‌های بنیادین برگزار شود.

محمدجواد لاریجانی، مدیر پژوهشگاه دانش‌های بنیادین در این نشست با بیان اینکه امروز در جهان با پدیده زشت ترور دانشمندان مواجهیم، گفت: اگرچه این پدیده وحشتناک در قرون وسطی و دادگاه‌های تفتیش عقاید سابقه داشته و در آن زمان دانشمندان را به دلیل عقایدشان می‌کشتند اما امروز دانشمندان را به خاطر محروم کردن ملت‌ها از دستیابی به دانش ترور می‌کنند.

وی افزود: کسانی که ترور می‌شوند فیزیکدان، ریاضی‌دان و دانشمندان علوم مختلف هستند اما کسی با این علوم مشکل ندارد، آنها با توسعه علم و قدرتمند شدن آن کشور مشکل دارند و این پدیده کاملاً رونمایی شده است.

لاریجانی بین‌المللی «خیزش فرزاتگان در برابر خردکشی» با اشاره به تحولات بسیار سریع و چشمگیر علم در دنیای کنونی و این حقیقت که دانشمندان با افتخار در حوزه‌هایی کار می‌کنند که تأثیرات بسیار وسیع در زندگی انسان‌ها دارد، خاطرنشان کرد: اما پدیده‌ای که با آن مواجه هستیم این است که دولت‌هایی در دنیا وجود دارند؛ در راس آنها آمریکا، غرب و رژیم صهیونیستی که با افتخار به شهادت‌رساندن دانشمندان را کاملاً یک سیاست مشروع می‌دانند.

لاریجانی افزود: به همین دلیل در جنگ ناجوانمردانه تحمیلی ۱۲ روزه در کشور ما بیش از ۱۵ نفر از دانشمندان کشور شهید شدند، با اینکه شهید دکتر قهقی در حوزه پرتودرمانی کار می‌کرد یا سایر شهدا افراد اکادمیک بودند و مثلاً شهید طهرانیچی یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های دانشگاهی غرب آسیا را اداره می‌کرد.

وی افزود: رونمایی و مشروعیت دادن به ترور دانشمندان بحث مهم امروز است. البته جهان غالباً به مسائل سیاسی پرهیجان توجه می‌کند اما توجه به موضوع ترور دانشمندان یک امر بسیار ضروری است و کشتن دانشمندان جهان از هر دین و مسلکی که هستند و در هر کشوری، به بهانه‌های سیاسی و هر بهانه‌ای باید محکوم و متوقف باشد؛ اینکه هر دولتی نتواند در کشور دیگری دانشمندی را که به نظر او برای اغراض سیاسی‌اش نامناسب است به شکلی سبانه ترور کند.

لاریجانی با اشاره به رونمایی ترور دانشمندان در این زمان گفت: این امر در کشور ما سابقه‌دار است و پیش از جنگ ۱۲ روزه شهیدان علیمحمدی، شهریار، رضایی‌نژاد، خفاری‌زاده و احمدی‌وشن ترور شده‌اند که هیچ کدام از آنها در مسائلی که نسبت داده شده بود شرکت نداشتند. البته آنها دانشمندان معارف علوم هسته‌ای بودند و علوم هسته‌ای مجموعه عظیمی از دانش‌هاست و به همین دلیل آنها می‌گویند ایران نباید غنی‌سازی داشته باشد، چون با پیشرفت غنی‌سازی بیش از ۱۵۰ رشته از علوم و فنون مهندسی پیشرفت می‌کنند، وی با خاطرنشان ساختن اینکه آمریکا و رژیم صهیونیستی برای جلوگیری از دسترسی ملت‌ها به علوم و فنون مورد نیاز خودشان به ترور داشمندان مشروعیت داده‌اند، اظهار داشت: فارغ از اسرار نظامی کشورها، علم باب مفتوحی است و اگر آنها تصور می‌کنند می‌توانند ملت ایران را از دانش محروم کنند سخت در اشتباه هستند.

رئیس همایش بین‌المللی «خیزش فرزاتگان در برابر خردکشی» تأکید کرد: بحث ما سیاسی به معنای خطمشی خاصی نیست، دانشمندان جهان باید در مقابل این پدیده شوم و کریه که خسارت زیادی برای بشریت دارد قیام کنند و هوشیار باشند و آگاهی‌های عمومی را بالا ببرند.

لاریجانی هدف همایش مذکور را مقابله با تروریسم علمی و ترور دانشمندان عنوان کرد و اظهار داشت: در عراق بالغ بر ۱۰۰۰ نفر و در سوریه بیش از ۱۰۰ دانشمند تاکنون ترور شده‌اند؛ به این بهانه که در مجموعه‌ای به نام «حافظ اسد» کار می‌کردند! این چه ربطی به دانشمندان دارد؟

وی تأکید کرد: باید با انحصارگرایی علم مقابله کنیم. آمریکا و غرب سعی دارند دانش را اختصاصی کرده و بقیه را از آن محروم کنند اما این کاملاً خلاف ماهیت علم است و رسانه باید در این زمینه نقش ایفا کند. لاریجانی افزود: اطلاعات دانشمندان باید بویژه توسط رسانه‌ها ثبت شود، امیدوارم در یونسکو اقدامات موثری در این زمینه انجام دهیم و این اطلاعات ثبت شود، هر چند انتظار نداریم قطعه‌های بین‌المللی به سرعت صادر شود اما انجام این کار به منظور آگاهی‌بخشی امری ضروری است.

گروه سیاسی: کمتر از ۲۴ ساعت پس از آنکه شورای امنیت سازمان ملل به قطعنامه پیشنهادی چین و روسیه درباره تعدید ۶ ماه قطعنامه ۲۲۳۱ رأی منفی داد و وزرای خارجه ۳ کشور اروپایی از فعال شدن مکانیسم ماشه خبر دادند، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه‌شامگاه شبیه ۵ مهر در گفت‌وگوی آنلاین و زنده از نیویورک با صداسویما توضیحاتی درباره این موضوع ارائه کرد.

■ می‌خواستند از اسنپیک هیولا بسازند

عراقچی با اشاره به حضور رئیس‌جمهور و هیات دیپلماتیک ایران در نیویورک گفت: «مسئال یک موضوع خاص در کنار دیگر مباحث هر سال وجود داشت و آن، تلاش ۳ کشور اروپایی و ایالات متحده برای فعال‌سازی سازوکار موسوم به «سنپیک» بود. همان‌طور که در اخبار دنبال کرده‌اید، از ۳-۲ ماه پیش آنها این بحث را آغاز کردند و فضایی به وجود آوردند تا اسنپیک را فعال کنند. هدف آنها این بود با ایجاد این فضا و القای ترس و التهاب درباره اسنپیک، از جمهوری اسلامی ایران امتیاز بگیرند و در واقع نوعی باج‌خواهی انجام دهند. آنها این موضوع را در رسانه‌های خود بسیار بزرگمایی کردند و بیش از واقعیت موجود به آن ابعاد دادند.» وزیر امور خارجه در این گفت‌وگو تصریح کرد: «می‌گویم اگر این اتفاق بیفتد هیچ صدمه یا آسیبی برای ما نخواهد داشت؛ بویژه در حوزه اقتصادی می‌تواند خسارت‌هایی وارد کند، هرچند میزان آن کمتر است اما آنها کوشیدند این مساله را بسیار بزرگ‌تر از آنچه هست جلوه دهند و هیولایی بسازند تا مردم ایران را دچار هراس کنند و در ادامه دولت و سیاست خارجی کشور را به دادن امتیاز و عقب‌نشینی وادارند.» وی همچنین تأکید کرد: «مالیت‌مسیر سیاسی و حقوقی مقابله با این تلاش را از سال‌ها پیش آغاز کرده بودیم. مشورت‌های ما با چین و روسیه چندین سال است در این باره ادامه دارد و در هفته‌های اخیر به طور فشرده‌تر دنبال شد. در این چارچوب، نامه‌های متعددی از سوی بنده به رئیس شورای امنیت، دبیر کل سازمان ملل و اعضای شورای امنیت ارسال شد. همچنین یک نامه مشترک با امضای بنده و وزرای خارجه چین و روسیه تهیه و ارسال شد. در کنار این اقدامات، تلاش‌های سیاسی و حقوقی گسترده‌ای انجام شد و در روزهای پایانی نیز دیپلماسی فشرده‌ای را با همه کشورها دنبال کردیم.»

■ پیشنهادهات ایران عادلانه و منطقی بود

عراقچی تصریح کرد: «هم‌زمان با فعالیت‌ها در حوزه شورای امنیت، گفت‌وگوهایی نیز با ۳ کشور اروپایی و به طور غیرمستقیم با سایر طرف‌ها انجام شد تا در صورت امکان، راه‌حلی منصفانه و متوازن برای ایجاد یک مسیر مذاکراتی جدید و جلوگیری از تنش و بحران غیرضروری پیدا شود. در این راستا - همان‌گونه که در اخبار هم مطرح شد- ما پیشنهادهای مختلفی ارائه کردیم. این پیشنهاده‌ها متناسب با روند مذاکرات به‌روزرسانی می‌شد و همگی بر راه‌حلی عادلانه و منطقی استوار بود. با این حال، متأسفانه همه این پیشنهاده‌ها از سوی طرف مقابل رد شد؛ هرچند برخی از آن‌ها به نظر می‌رسید از نگاه برخی کشورهای اروپایی مورد توجه قرار گرفته است اما نتوانستند طرف آمریکایی را همراه کنند.»

■ هدف اروپا باج‌گیری است

عراقچی با اشاره به اینکه در این روند بیش از پیش مسجل شد هدف اصلی، باج‌گیری و امتیازگیری از جمهوری اسلامی ایران است، گفت: «آنها توقع داشتند جمهوری اسلامی همه مواد هسته‌ای خود را کنار بگذارد یا تحویل دهد و در مقابل، تنها ۳ یا ۶ ماه تمدید تعلیق اسنپیک دریافت کند. این اوج زباده‌خواهی، غیرمنطقی‌ترین رفتار و حتی جسارت‌آمیزترین

برخورد ممکن بود. ما با قوت در برابر همه این درخواست‌ها و فشارهایی که تا آخرین لحظه ادامه داشت، ایستادیم. آنها می‌خواستند با استفاده از این اهرم، ما را به پذیرش چنین خواسته‌های ذلت‌باری وادار کنند اما طبیعتاً ما هرگز زیر بار این شرایط ترفتیم و نخواهیم رفت. در مقابل، پیشنهادهای سازنده و واقع‌بینانه‌ای روی میز گذاشتیم اما طرف مقابل بنا را بر عدم پذیرش آنها گذاشت.» از نظر وی، وضعیتی که اکنون وجود دارد بسیار حائز اهمیت است؛ عراقچی تصریح کرد: «در شورای امنیت هیچ‌اجماعی نسبت به این موضوع شکل نگرفته است. از میان ۵ عضو دائم شورای امنیت، ۲ عضو به طور کامل بااین اقدام مخالفند، فعال‌سازی اسنپیک را غیرقانونی می‌دانند و معتقدند چنین اقدامی مبنای حقوقی ندارد. ۲ عضو دیگر شورای امنیت، از جمله پاکستان نیز به همین موضع پیوسته‌اند. در عین حال، ۲ عضو دیگر یعنی کره‌جنوبی و گویان رأی ممتنع دادند. بنابراین کاملاً روشن است در شورای امنیت هیچ‌اجماعی برای پذیرش این حرکت وجود ندارد.»

■ از دید ما اسنپیک فعال نشده

عراقچی با اشاره به چالش حقوقی رخ داده درباره موضوع گفت: «من در سخنان خود در شورای امنیت تأکید کردم این مساله یک چالش حقوقی برای شورای امنیت محسوب می‌شود و با توجه به نبود اجماع، نباید سازوکار اسنپیک، «فعال‌شده» تلقی شود. از دید ما این سازوکار در حال حاضر فعال نشده و به همین دلیل تبعات آن نیز نباید مورد توجه دبیر کل سازمان ملل قرار گیرد یا پیگیری شود. در واقع، اکنون شورای امنیت یا یک چالش حقوقی جدی روبه‌رو است، موضوع

نبرد حقوقی چین و روسیه به نفع ایران علیه مکانیسم ماشه

منطق شرق در برابر ماشه غرب



روسیه و چین در این زمینه روشن است؛ آنها نیز معتقدند این فعال‌سازی از نظر حقوقی اساساً صورت نگرفته است و در نتیجه، ۱۸ اکتبر/ ۲۶ مهر، قطعنامه ۲۲۳۱ پایان می‌یابد و همه تحریم‌هایی‌باید خاتمه یابد». وزیر امور خارجه در پایان با اشاره به اینکه از این پس، ما مبارزه حقوقی خود را در داخل شورای امنیت سازمان ملل ادامه خواهیم داد، تصریح کرد: «در عین حال، موضع سیاسی جمهوری اسلامی ایران نیز کاملاً روشن است که ما به دنبال یک توافق عادلانه و متوازن هستیم. در صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای خود هیچ تردیدی نداریم و برای اعتمادسازی در این خصوص نیز آمادگی داریم اما این امر مشروط به آن است امتیازات متناسبی داده شود و در نهایت، حق ملت ایران برای غنی‌سازی مورد احترام قرار گیرد.

■ روسیه و چین علیه ماشه

صبح دیروز نیز وزارت خارجه روسیه در بیانیه‌ای اسنپیک را لازم‌الاجرا ندانست و تأکید کرد: استفاده از روش‌های قهری و فشار در حوزه عدم اشاعه هسته‌ای باید کنار گذاشته شود. این رویکردیانه‌تنهایی‌ثمر و زیانبار است، بلکه خطرناک هم هست، زیرا می‌تواند به تشدید اختلافات و در نهایت به درگیری‌های غیرقابل کنترل با پیامدهای تراژیک و جبران‌ناپذیر منجر شود. در این بیانیه آمده است: «حامیان سیاست «فشار حداکثری» علیه ایران در تلاشند با انحراف افکار عمومی از بار گناه حملات ماه‌ژوئن به تأسیسات هسته‌ای ایران که تحت پادمان‌های آژانس قرار داشت، شانه خالی کرده و ایران را به عنوان تهدیدی جدی معرفی کنند. در این مسیر، هرگونه پیشرفت مثبت در همکاری ایران و آژانس مانعی در برابر پیشبرد دستورکار ضدایرانی آنان

مکانیسم ماشه؛ بحران سیاسی یا آزمایش روانی جامعه ایران؟

از او و در برابر شایعات حفاظت کند به بیان روشن، مکانیسم ماشه تنها یک ابزار در عرصه سیاست بین‌الملل نیست، بلکه یک «تجریه اجتماعی - روانی» برای مردم ما است. این تجربه می‌تواند جامعه را به سمت اضطراب و بی‌اعتمادی سوق دهد یا برعکس، فرصتی برای ارتقای سواد رسانه‌ای و تقویت انسجام ملی باشد. اگر مردم هوشیارانه رفتار نکنند، مسئولان به اصول ارتباطی پایبند باشند و رسانه‌ها مسؤوالانه خبررسانی کنند، می‌توان از شدت پیامدهای روانی کاست و فضای تصمیم‌گیری عقلانی را حفظ کرد. مدیریت چنین شرایطی تنها با اراده سیاسی ممکن نیست، نیازمند مسؤولیت‌پذیری رسانه‌ها و مشارکت فعال شهروندان نیز هست.

به عنوان پژوهشگر ارتباطات به این باورم آینده جامعه به گرو آن است که پیام‌ها چگونه مدیریت شود. بحران‌ها همیشه وجود دارد اما این نحوه ارتباط است که تعیین می‌کند بحران به یک زخم روانی جمعی بدل شود یا به فرصتی برای همبستگی و بلوغ اجتماعی.

چند بیانیه پرآکنده محدود شود، بلکه باید جریان اطلاعاتی منظم وجود داشته باشد که اجازه ندهد خلأ خبری با شایعات پر شود و سازگاری یعنی مسؤولان و نهادهای مختلف، پیام‌های متناقض صادر نکنند، زیرا همین تناقض به اندازه اصل بحران، اضطراب‌زاست.

در این میان نقش مردم، مسؤولان و رسانه‌ها هر کدام تعیین‌کننده است. مردم باید «صوتیعت اطلاعاتی» پیدا کنند؛ به این معنا که خبر را از منابع معتبر پیگیری کنند، در برابر شایعات عجولانه عمل نکنند و با بازتشریب تأمل پیام‌های هیجانی، زنجیره اضطراب را طولانی تر نکنند. مسؤولان باید با سرعت و دقت اطلاع‌رسانی کنند، پیام‌های خود را هماهنگ کنند و هم‌زمان سیاست‌های حمایتی مشخص برای گروه‌های آسیب‌پذیر ارائه دهند تا حس امنیت اجتماعی تقویت شود. رسانه‌های باید میان خبر و هیجان تفولوت قائل شوند. تئیرهای فاجعه‌ساز و مبالغه‌آمیز، اضطراب را دوچندان می‌کند، در حالی که گزارش‌های تحلیلی و مستند می‌تواند مخاطب را آماده کند

تجربه می‌کنند این احساس زمینه‌ساز رشد شایعات و تقویت روایت‌های غیررسمی می‌شود. به موازات این اضطراب، نوعی «خستگی سیاسی - اقتصادی» در جامعه شکل می‌گیرد؛ مردمی که بارها با چرخه تحریم و تهدید مواجه شده‌اند، انرژی روانی خود را برای مقابله با وضعیت‌های تازه از دست می‌دهند و به سوی بی‌تفاوتی یا نومیدی سوق داده می‌شوند. در چنین شرایطی اگر روایت‌های رسانه‌ای، مسؤوالانه نباشد و پیام‌های رسمی دچار تناقض یا تأخیر شود، اعتماد عمومی فرسایش می‌یابد و جای خالی آن را اخبار هدایت‌شده و شایعات پر می‌کنند.

علم ارتباطات به ما می‌آموزد بحران تنها در میدان سیاست رخ نمی‌دهد، بلکه در میدان پیام‌ها و ادراک‌ها نیز ساخته و بازتولید می‌شود. از این منظر، ۳ اصل کلیدی برای کنترل جمل پیامدهای روانی مکانیسم ماشه اهمیت دارد: شفافیت، تداوم و سازگاری. شفافیت یعنی مردم دقیقاً بدانند چه اتفاقی افتاده و چه تصمیمی در راه است. تداوم یعنی اطلاع‌رسانی نباید به

گروه هکری «حفظله» سامانه ماهواره‌های AMOS رژیم صهیونیستی را هک کرد

استخراج ۳۷۹ گیگابایت داده از قلب اسرائیل

است. این استاد که در وب‌سایت و کانال‌های رسانه‌ای وابسته به حفظله در دسترس قرار گرفته است، اطلاعاتی مانند آدرس‌های IP ایستگاه‌های زمینی، تاریخچه ترافیک داده و حتی جزئیات قرار داده‌های تجاری Spacecom را نشان می‌دهد.

اهمیت این نفوذ فراتر از یک حمله سایبری ساده است. Spacecom تنها یک شرکت تجاری، بلکه بخشی از اکوسیستم امنیتی اسرائیل است که بشدت به فناوری‌های فضایی وابسته است. ماهواره‌های AMOS برای حفظ برتری اطلاعاتی اسرائیل در منطقه حیاتی هستند و هرگونه نقض در امنیت آنها می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای برای رژیم صهیونیستی داشته باشد. برای مثال، افشای فرکانس‌های ارتباطی یا پروتکل‌های رمزنگاری می‌تواند امکان شود با اختلال را در ارتباطات نظامی فراهم کند، در حالی که لو رفتن نقشه‌های شبکه ایستگاه‌های زمینی می‌تواند زیرساخت‌های فیزیکی Spacecom را در برابر حملات هدفمند آسیب‌پذیر کند. این موضوع زمانی حساس‌تر می‌شود که به یاد آوریم اسرائیل در سال‌های اخیر هدف حملات سایبری متعددی در قتل‌ها و اطلاعات برخی کارکنان Spacecom است. برای اثبات این ادعا، حفظله حدود ۵۰۰۰ سند نمونه، شامل اسکرین‌شات‌ها، فایل‌های متنی و بخشی از لاگ‌های ترافیک داده در دوره جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران را منتشر کرده

عملیات‌های اطلاعاتی و نظارتی کاربرد دارند. به دلیل این نقش دوگانه تجاری و نظامی)، Spacecom هدفی استراتژیک برای نفوذ سایبری است. اساساً هرگونه اختلال در عملکرد این ماهواره‌ها می‌تواند تبعات گسترده‌ای برای توانایی‌های عملیاتی اسرائیل، بویژه در شرایط جنگ داشته باشد.

نفوذ به سامانه‌های Spacecom از این منظر اهمیت دارد که می‌تواند زنجیره فرماندهی و کنترل نظامی اسرائیل را مختل کند. برای مثال، در صورت دسترسی به فرکانس‌های ارتباطی یا پروتکل‌های رمزنگاری، امکان جعل سیگنال‌ها یا ایجاد اختلال در ارتباطات نظامی وجود دارد. اهمیت این موضوع زمانی قابل درک است که بدانیم رژیم صهیونیستی بشدت به فناوری‌های فضایی وابسته است.

گروه حفظله اعلام کرد ۳۷۹ گیگابایت داده حساس از سامانه‌های Spacecom به دست آورده است. این داده‌ها شامل اطلاعات ۱۹ ایستگاه زمینی در سرزمین اشغالی، قبرس، آمریکا و ۳ کشور اروپایی، لاگ‌های ارتباطی، فرکانس‌های ماهواره‌ای، جزئیات فنی عملیات AMOS و حتی اسامی و اطلاعات برخی افراد کارکنان Spacecom است. برای اثبات این ادعا، حفظله حدود ۵۰۰۰ سند نمونه، شامل اسکرین‌شات‌ها، فایل‌های متنی و بخشی از لاگ‌های ترافیک داده در دوره جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران را منتشر کرده

اقدامی نه‌تنه‌ای می‌تواند به اعتبار Spacecom لطمه بزند، بلکه با افشای اطلاعات محرمانه، امنیت عملیاتی اسرائیل را به خطر می‌اندازد.

این نفوذ سایبری نشان‌دهنده آسیب‌پذیری جدی در زیرساخت‌های حیاتی اسرائیل است. اسرائیل که خود را یکی از پیشگامان فناوری سایبری در جهان می‌داند، در سال‌های اخیر بارها هدف حملات سایبری گروه‌های مختلف، از جمله گروه‌های حامی ایران قرار گرفته است؛ حملاتی که نشان می‌دهد حتی سامانه‌های پیشرفته‌ای مانند Spacecom که از پروتکل‌های رمزنگاری پیچیده و فناوری‌های امنیتی به‌روز استفاده می‌کنند، در برابر حملات سایبری مصون نیستند.

در این میان، سکوت رسانه‌های اسرائیلی در قبال این اتفاق نیز قابل توجه است. رسانه‌های اصلی رژیم صهیونیستی مانند هآرتص، معارو، تایمز اسرائیل، جروزالم پست و یدیعوت آحارائوت تاکنون هیچ اشاره‌ای به این نفوذ نکرده‌اند. این سکوت احتمالاً نتیجه سانسور شدید رسانه‌ای است که رژیم صهیونیستی در موضوعات مرتبط با امنیت خود اعمال می‌کند. اسرائیل سابقه طولانی در کنترل جریان اطلاعات برای جلوگیری از تضعیف روحیه عمومی یا جلب توجه به ضعف‌های امنیتی دارد. سکوت رسانه‌ای اسرائیل، هرچند ممکن است تلاشی برای کم‌اهمیت جلوه دادن این حمله باشد اما نمی‌تواند از اهمیت ماجرا کم کند.